

توضیح

مطالبی که در این شماره بخوانندگان عزیز مجله خاطرات وحید عرضه می‌شود ترجمه خاطرات یا سفرنامه یکی از سیاستمداران برجسته انگلیسی بنام «سرهنری لایارد» است که شرح حال او را در همین شماره مطالعه خواهیم کرد.

این یادداشتها که مربوط به سالهای ۱۸۴۰-۱۸۴۲ که مصادف با مسافرت این دیپلمات انگلیسی به ایران است. تحت عنوان **EARLY ADVENTURS IN PERSIA, SUSIANIA, AND BABYLONIA.**

در سال ۱۸۹۴ (سال وفات او) در لندن انتشار یافته است. قسمتی از این یادداشتها بطور خیلی مختصر و ناشیانه در سال ۱۳۲۰ هجری قمری ترجمه و در کتاب بختیاری و عبدالحسین خان لسان السلطنه (ملک المورخین) چاپ شده است که قسمتی از همان ترجمه نیز در شماره ۴۷ تا ۴۹ سال ۱۳۴۶ مجله وحید تحت عنوان «خاطرات سردار ظفر» نقل شده است.

ترجمه این یادداشتها نه تنها نکته های تاریک و مهم تاریخ معاصر وطن ما را روشن و بازگو مینماید بلکه اطلاعات جامعی نیز در مورد اوضاع اجتماعی، اقتصادی و اداری یک قرن و نیم پیش کشور ایران بدست میدهد که از هر لحاظ برای نسل حاضر که از استقلال و امنیت کامل برخوردار است مفید و آموزنده است. ولی ذکر این نکته ضروری است که این دیپلمات با داشتن افکار استعماری، دشمن ایران و ایرانی بوده و بالطبع چنین سیاستمداری با این طرز تفکر لامحاله در مسائل سیاسی نظرهای خاصی ابراز میدارد که باید با تأمل و دقت بیشتری مورد توجه واقع شود.

ترجمه این خاطرات که بالغ بر سیصد صفحه است از این شماره به بعد بطور مرتب در مجله خاطرات وحید انتشار خواهد یافت، امید است این خدمت، تاریخ ایران را سودمند اقتد و مورد قبول خوانندگان دانشمند مجله خاطرات وحید واقع گردد.

ما در زیر نویس این خاطرات از مکاتبات خصوصی و محرمانه و سایر یادداشتهای لایارد که در تاریخ انتشار خاطرات او، روی مصالح سیاسی روز از نشر آن خودداری شده است استفاده مینمائیم. این مکاتبات و یادداشتها اخیراً بوسیله گردون و اتر فیلد تحت عنوان «لایارد» نینوا» در سال ۱۹۶۳ در لندن انتشار یافته است.

«مهراب امیری»



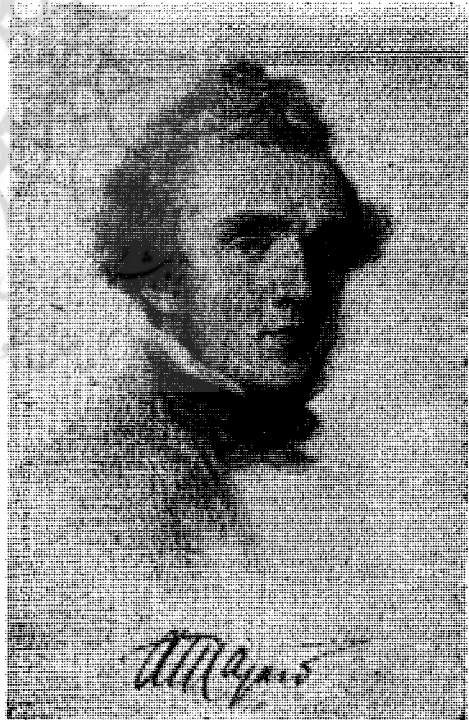
مهراب امیری

سراوستن هنری لایارد

سراوستن هنری لایارد متعلق به يك خانواده سرشناس پروتستان فرانسوی الاصل است که نیاکان او در قرون گذشته به انگلستان کوچیدند و در خاور شهر کنت اقامت گزیدند ، بعد ها فرمان ملکه الیزابت اول در کلیسای کنتربوری

بخد،ت اشتغال جستند . هنگامیکه پیتر لایارد و همسرش ماری در پاریس اقامت داشتند اولین فرزند آنان بنام هنری در تاریخ پنجم مارس ۱۸۱۷ میلادی قدم بر مرصه وجود نهاد . پیتر بملت عدم بضاعت مالی نتوانست فرزند خود را به يك آموزشگاه عمومی یا دانشگاه روانه نماید بهمین علت هم هنری موفق نشد تحصیلات خود را بطور کامل به پایان برساند . او در هشت سالگی هنر نقاشی را نزد پدرش که در صنعت پیکر تراشی و نقاشی ایتالیایی دستی داشت بخوبی فرا گرفت و از همان دوران کودکی گسرایش و دلپستگی فراوانی به فرهنگ و تمدن مردم خاور زمین از خود نشان میداد .

در سال ۱۸۲۹ مارین لایارد که در آن هنگام باشوهرش پیتر در فلورانس اقامت داشتند موافقت کرد که هنری نزد برادرش بنیامین وزن برادرش سارا که تا آن موقع صاحب فرزندی نبودند بانگلستان برود و به تحصیلات خود ادامه دهد ، هنری



سراوستن هنری لایارد

درس ۱۲ سالگی بهمین منظور از قلمرو اس
راهی انگلستان شد ولی چندان
رغبتی به تحصیل از خود نشان نداد و
درس ۱۶ سالگی در يك اداره مشاور
حقوقی بکار اشتغال جست.

وی در سن ۱۷ سالگی یعنی در سال
۱۸۳۴ پدر خود را از دست داد و رسماً
کفالت و سرپرستی خانواده را بعهده
گرفت. هنری بنا به پیشنهاد عمویش
چارلز لایارد که يك وکیل دادگستری
و مقیم سیلان بود تصمیم گرفت که به آن
کشور برود و در دارالوکاله وی بعنوان
وکیل دعاوی بکار پردازد. او بخاطر
انجام این مسافرت امتحانات رشته
حقوق و مثلثات را گذراند و با اعضاء
انجمن پادشاهی جغرافیائی ملاقات
کرد و با آقایان چارلز فیلو و باستاند
شناس معروف (کاشف شهر قدیمی یونان
در آسیای صغیر) و بایلی فراستر نویسنده
نامدار انگلیسی (که بارها به ایران
و کردستان مسافرت کرده است) مشورت
نموده و همچنین از آقای جان مکنایل
وزیر مختار سابق انگلیس در تهران
که پس از قطع رابطه سیاسی ایران و
انگلیس بر سر قضیه هرات در لندن
اقامت داشت دیدن کرد و اطلاعات مورد
لزوم را از وی کسب نمود.

هنری لایارد در تاریخ ژوئیه ۱۸۳۹
همراه بایک مسافر ماجراجوی انگلیسی
بنام «میتفورد» (که مدتی در مراکش
بشغل تجارت اشتغال داشت و اینک می

خواست به سیلان برود تا به
و پرورش قهوه بپردازد) انگلستان
بمقصد ایران و هندوستان ترك گفتند
این دو مسافر از طریق بلژیک
آلمان، عثمانی و آسیای صغیر و
شامات و فلسطین شدند و خود
بفداد رسانیدند و در منزل «کلنل تایلر»
نماینده سیاسی انگلیس منزل نمودند
و مدت دو ماه در بفداد توقف کردند
با شاهزادگان فراری ایرانی که
بفداد اقامت داشتند و مدعی سلطنت
ایران بودند ملاقات نمودند (۱).

۱- رضا قلی میرزا، نجفقلی میرزا
تیمور میرزا پسران فرمانفرما با ک
کنسول انگلیس از شیراز فرار نمود
خود را از راه شامات به لندن رسانید
و در لندن «فریزر» معروف را مقرر
آنان کردند. در زمانی که میرزا حس
خان آجودانپاشی در لندن بود این
نیز بعنوان مدعیان سلطنت در لندن
میهمان دولت انگلیس بودند و بعد
باتفاق «فریزر» باستانپول و از آن
به بفداد فرستاده شدند و برای هر
سالی دو هزار لیره مقرر قرار دادند
درغائله بختیاری و مسئله هرات از آن
بعنوان مترسک بر علیه محمدشاه استفاده
نمودند برای اطلاع از چگونگی فر
این شاهزادگان به کتاب بازیگر شر
تألیف نکالنده این سطور مراجع
شود.

لایارد و میثفورد از طریق بغداد وارد ایران شدند و در همدان بامیرزا آقاسی صدر اعظم و میرزا مسعود خان وزیر امور خارجه ملاقات کردند و تقاضا داشتند که با اجازه دولت ایران از طریق یزد و کرمان و سیستان بقصد افغانستان و هندوستان مسافرت نمایند . میرزا آقاسی صدر اعظم در ظاهر بعلمت عدم امنیت راهها و در باطن به خاطر طغیان آقاخان محلاتی در کرمان که در همان اوقات با کمک انگلیسها صورت گرفته بود با مسافرت این دو نفر انگلیسی (که تصور میرفت مأموریت سیاسی دارند) از طریق کرمان و سیستان به افغانستان و هندوستان مخالفت ورزید . ولی با یساری و استمانت و بارون دود ، منشی سفارت روس در تهران به آنان اجازه داده شد که میثفورد از طریق مشهد به هرات برود و لایارد نیز جهت دیدن آثار باستانی به بختیاری مسافرت نماید .

لایارد بین سالهای ۱۸۴۰-۱۸۴۲ در جنوب ایران مشغول يك سلسله فعالیت های سیاسی بود و چندین بار از خوزستان به بغداد و از بغداد به خوزستان مسافرت کرد و در غائله بختیاری و شورش محمد تقی خان دست داشت و اولین کسی بود که طرح کشتیرانی در کارون را به دولت انگلیس پیشنهاد و برای انجام این مقصود دو بار با کشتی از بغداد به محمره (خرمشهر) مسافرت کرد که

یکبار در معیت ناوبان سلیمی با کشتی (ASSYRIA) از طریق رودخانه کارون خود را به شوشتر رسانید و اطلاعات مورد نیاز را راجع به نحوه کشتیرانی در این رودخانه در اختیار «کلنل تایلور» کنسول انگلیس در بغداد نهاد .

لایارد از طرف «سراستراتفورد کانینگ» سفیر انگلیس در دربار عثمانی مأموریت یافت تا طرحی در مورد حمل اختلافات مرزی ایران و عثمانی (مرزهای جنوبی ایران) تهیه نماید چون طرح تنظیمی وی بسود دولت عثمانی و به زیان دولت ایران بود مورد موافقت «لرد ابردین» وزیر امور خارجه انگلیس که در آن موقع با نظریات و عقاید روسها هم آهنگی نشان میداد قرار نگرفت .

هنگامیکه «سراستراتفورد کانینگ» او را بعنوان نماینده دولت انگلیس در کنفرانس ارزنة السروم معرفی نمود «لرد ابردین» بخاطر جلب نظر روسها (با این اعتقاد که لایارد از ترکها حمایت خواهد کرد) با این انتخاب مخالفت کرد و بجای او کلنل فن ویک و پلیمزور بربرت گرز به آن کنفرانس اعزام شدند .

لایارد با کمک مالی «سراستراتفورد کانینگ» (در حدود ۱۶۰ لیره انگلیس) بسال ۱۸۴۵ در موصل شروع بحقاری نمود و در سن ۳۵ سالگی بخاطر کشف نینوا از شهرهای آشور شهرت



خانم اذنگست همسر لایارد

مادرید انجام وظیفه میکرد و در سال ۱۸۷۷ بسمت سفیر انگلیس در قسطنطنیه منصوب گردید و اولین کسی بود که مدیریت بانک عثمانی را به عهده گرفت.

لایارد در سال ۱۸۶۹ در سن ۵۲ سالگی با خانم «انیدگست» فرزند هشتم خانم چارلت که تقریباً ۲۵ ساله بود ازدواج کرد و تا آخرین روزهای زندگی از این ازدواج رضایت داشت روزهای خوش و آرامی را در کنار همسرش به پایان رسانید.

لایارد آخرین سالروز ازدواج خود را با حضور همسر و سایر دوستانش در ماه مارس ۱۸۹۴ در شهر ونیز جشن گرفت و در آوریل همان سال جهت ملاقات و مذاکره با سر هنری تامسون به انگلستان سفر کرد، در خیابان شماره یک کوئین آن، لندن اقامت نمود.

او از دیرباز به یک نوع بیماری

بقيه در صفحه ۷۱

جهانی یافت. این شهرت پست دوم معاونت وزارت خارجه انگلستان را در سال ۱۸۵۲ برای او به ارمغان آورد و در حالی که هشت سال از انگلستان دور بود و از سیاست اطلاعی نداشت.

بعداً از طرف حزب لیبرال به نمایندگی پارلمان انتخاب گردید و مبارزات شدیدی را علیه حکومت لرد ایردین (بخاطر سوء تدبیر او در اداره جنگهای کریمه) آغاز کرد.

لایارد از میدان نبرد های عظیم جنگهای کریمه بازدید نمود و هنگام شورش به هندوستان سفر کرد و جنبش بزرگی را که بمظهور کاستن نفوذ مالکان بزرگ در کنترل پارلمان و اداره کشور آغاز شده بود در انگلستان رهبری نمود.

عده کثیری انتظار داشتند که او بمقام وزارت امور خارجه برسد ولی او دشمنان سیاسی زیادی برای خود بوجود آورد که در میان این عده سیاستمدار معروف انگلیسی «گلاستون» بود.

لایارد در موقعی که سیاست حکومت محافظه کار دیزرائیلی را نسبت بروسها با عقاید خود هم آهنگ دید دشمنی و تنفر دوستان سابق لیبرال و رادیکالها را علیه خود برانگیخت. او در سال های ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۷ یعنی سالهایی که کشور اسپانیا با حوادث و بینظمیهای فراوانی دست بگریبان بود بمدت هفت سال در سمت نمایندگی کشور خود در

ندارم . سوای يك نفر ملازم اداره . لکن اگر صبرداشته باشید ، ساعت ده روسی ، کارم تمام شود ، خودم حاضرم بیایم شمارا راه بیندازم .

دیدیم ، آن وقتی است که ماشین حرکت کرده خیلی معذرت خواسته ترضیه به عمل آورده مراجعت نمودیم . بین راه يك شخص فرنگی بالباس فرنگی و «شابقه» (۱) به ما برخورد . بازبان ترکی سئوال کرد :

- آقایان ! شما ایرانی هستید ؟

همین که همزبان خود را دیدیم ، نزدیک بود از شوق قالب تهی نمایم . يك دفعه به او چسبیده اظهار مهربانی نموده و صحبت کنان آمدیم ، آمدیم هوتیل . نشستیم . قدری از ایران و [امور] متفرقه صحبت داشته ضمناً شرح حال خود را به او اظهار نمودیم . جواب داد :

- این بنده با کمال افتخار در خدمات هموطنان خود ، حاضرم . و همه قسم همراهی می نمایم .

پس از صرف چایی ، حرکت نموده فایتون سوار شده رفتیم و غزال . فوری اطاقی که مخصوص زنهاست باز نموده زنها را فرستاده توی اطاق . از آنها که آسوده شدیم خودمان هم در دستوران نشسته مشغول صحبت شدیم . باز هم دورمارا گرفته بودند ، تماشا می نمودند . آن شخص قدری به ما ایراد کرد که «چرا همراهان خودرا با این وضع مضحک آورده اید ؟ اینها سرکشکی جهت ایران است ، جواب دادیم . و حال

۱- شاپو (کلاه)

گذشته است . آنچه باید ببینیم ، دیده ایم . در این بین ، زمان حرکت ماشین نزدیک شد . فوراً رفته ، حاجت ما معلوم نموده اسباب (ها) را داد بردند جا بجا نموده اطاق «افرآی» تمام شده بود جهت حاج عباس آقا واسکوئی و عیالها نمره «پروای» گرفتند چهل منات تفاوت عمل افرآی ، پروای شده [بود] داده زمان حرکت ماشین با کمال معقولیت خدا حافظی نموده مراجعت نمودند . هر چه خواستیم که معرفی خودرا بنمایند غلطی گاهی «حسن اف هستم» گفت گاهی «حسین اف» . از قراری که استنباط نمودیم از کسان شاه مخلوع محمد علی میرزا بود . از عده سه به گردش آمده بود . به هر جهت کمال معقولیت و انسانیت را در پاره‌ی ما نموده مراجعت نمود . ماشین حرکت کرد .

مزمّن ورم پا مبتلا بود و هنگام ورود به لندن این بیماری شدت یافت و او را بستری کرد ، دوستان زیادی مانند سر هنری تامسون و سر جیمز پاگت از وی عیادت نمودند ، ملکه و یکتوریا و امپرس فردریک وسیله يك روزنامه رسمی ، و پرنس والز تلگرافی ویرا مورد تقدیر قرار داده و احوال پرسی نمودند . بیماری روز بروز شدت یافت تا سرانجام در روز پنجم ژوئیه ۱۸۹۴ در سن ۷۷ سالگی چشم از جهان فرو بست .

او در آثار نقاشان ایتالیائی صاحب نظر بود و کلکسیون خود را به گالری ملی انگلیس اهداء نمود و سائز کلاسیک خودرا بنام «ماجراهای اولیه» و «نینوا» و «باقیمانده‌های او» و «نینوا و بابلیون» را برشته تحریر در آورد .

بقیه سر اوستن هنری لایارد